

از غائله خان طومان و درگیری الحاضر در سوریه و عراق و جبهه مقاومت اسلامی هیچ کسی بی‌خبر نیست. شاید جالب‌ترین خبر آن هم نه تنها در غائله خان طومان بلکه در کل مدافعان حرم حضرت زینب (س) این است که بچه‌های محله‌های جنوب شهر مثل یافت‌آباد، خزانه فلاح، شهرک ولیعصر و نظام‌آباد از مدافعان حرم سایر مناطق تعدادشان بیشتر است. چرا؟

مشخص است بچه‌های این محله‌ها شهره هستند به مرام، مشت‌ی بودن و لوطی‌گری که به قول خودشان هیچ رقمه در میخبله‌شان نمی‌گنجد که بدانند حرم اهل بیت(ع) در خطر است و ساکت بنشینند. یکی از جالب‌آزان مدافع حرم سیدامیر بنیابی است که مهمان برنامه نغمه عشاق فرهنگسرای گلستان بود. ویژگی شاخص این سید، لوطی‌گری و همنشینی‌اش با شهید مجید قربان‌خانی است. شهید محله یافت‌آباد تهران که به مجید سوزوکی جبهه مقاومت اسلامی نیز شهرت دارد. بخش‌هایی از خاطرات و روایات سیدامیر بنیابی در خصوص آشنایی با مقوله دفاع از حرم اهل بیت در سوریه و همچنین روزهای همنشینی با شهید قربان‌خانی را پیش رو دارید.

■ **زینب سادات گرامی**

از غائله خان طومان و درگیری الحاضر در سوریه و عراق و جبهه مقاومت اسلامی هیچ کسی بی‌خبر نیست. شاید جالب‌ترین خبر آن هم نه تنها در غائله خان طومان بلکه در کل مدافعان حرم حضرت زینب (س) این است که بچه‌های محله‌های جنوب شهر مثل یافت‌آباد، خزانه فلاح، شهرک ولیعصر و نظام‌آباد از مدافعان حرم سایر مناطق تعدادشان بیشتر است. چرا؟ مشخص است بچه‌های این محله‌ها شهره هستند به مرام، مشت‌ی بودن و لوطی‌گری که به قول خودشان هیچ رقمه در میخبله‌شان نمی‌گنجد که بدانند حرم اهل بیت(ع) در خطر است و ساکت بنشینند. یکی از جالب‌آزان مدافع حرم سیدامیر بنیابی است که مهمان برنامه نغمه عشاق فرهنگسرای گلستان بود. ویژگی شاخص این سید، لوطی‌گری و همنشینی‌اش با شهید مجید قربان‌خانی است. شهید محله یافت‌آباد تهران که به مجید سوزوکی جبهه مقاومت اسلامی نیز شهرت دارد. بخش‌هایی از خاطرات و روایات سیدامیر بنیابی در خصوص آشنایی با مقوله دفاع از حرم اهل بیت در سوریه و همچنین روزهای همنشینی با شهید قربان‌خانی را پیش رو دارید.

■ **مشتی‌ها و لوطی‌ها در جنگ هم شناخته‌شده بودند**

«اولین شهید لوطی و بارام کرپلاعبس بن شیبب شاکری است که وقتی می‌خواهد شهید شود حتی پیراهنش را هم در می‌آورد چون معتقد است تیری که فرار است برای حسین روی سینه بنشیند باید بی‌واسطه وارد بدن او شود.»

این حرف را خاطر م نیست کجا اما مطمئنم پای منبر و روضه یک عزیز یاد گرفتیم و در ذهنمان ماند و هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود. ما لوطی‌ها و مشت‌ها

«عباس» لشکر امام حسین (ع) یادمان نمی‌رود. از بچگی دوست داشتمت یک فرمانده مشت‌ی و لوطی‌های مرام از بین فرماندهان جنگ پیدا کنیم تا از زندگی‌اش برای خودم الگو بگیرم. پدرم زمان جنگ فرماندهی به اسم حاج حسین اسکندرولو داشت که با جست و جویی که کردم متوجه شدم بچه محله اتابک است. شهید اسکندرولو که به رفتارهای لوطی و مشت‌ی شهره بوده است در عملیات فتح‌المبین وقتی می‌بیند شدت حملات یعنی‌ها باعث شده که گردان‌از هم بپاشد در کمال جرئت پیراهنش را در می‌آورد و بسا فریاد «منم حسین اسکندرولو فرمانده گردان علی اصغر امام حسین» بسمت بعضی‌های می‌رود، تیر می‌خورد و در نهایت شهید می‌شود.

من از شهید اسکندرولو بسیار شنیده‌ام بودم اما ارتباط با او فقط عکسی بود که در خانه داشتم البته پدرم عادت داشت هر هفته جمعه صبح می‌رفت سر قبر شهید اسکندرولو و دیگر شهدا اما من تا هیچ وقت نمی‌پر د. یک بار نوجوانونه در خودم خطاب به شهید گفتم: «حاجی مرامی کن من می‌ه موتور بخرم پاهاش راحت برم هیبت.» موتور را خریدم و اولین بار با موتورم رقتم قطعه شهدا و آنقدر تلاش کردم تا قبر حاجی را پیدا کردم. روی قبرش نوشته شده بود تاریخ تولد ۱۲ اردیبهشت، تاریخ شهادت ۱۳ اردیبهشت. من متولد ۱۴ اردیبهشت بودم و با خودم گفتم چه شود اگر من هم تاریخ شهادتم ۱۵ اردیبهشت رقم بخوردا غافل از اینکه کلا از مرحله پرت بودیم. شما می‌پرسید چرا؟ برایتان می‌گویم…

■ **از غائله سوریه بی‌خبر بودم تا اینکه…**

۲۶ ماه رمضان سال ۹۲ هم نماز صبحم قضا شد و هم در رسیدم بهشت زرا(س). ساعت ۸ بود رسیدم. سر قبر شهید اسکندرولو نشستم و داشتم درد دل می‌کردم که دیدم جمعیتی با شعار لبیک یا زینب و لبیک یا حسین به سمت قطعه شهدا می‌آیند. آن زمان نیروی قدس تلاش می‌کرد به دلایل امنیتی هویت شهدای حرم فاش نشود. اوضاع مثل امروز نبود. شهیدی که تشییع

مالوطی‌ها و مشت‌ی‌ها

«عباس» لشکر امام حسین (ع) یادمان نمی‌رود



▲ شهید مجید قربان‌خانی

و با موبایل کار می‌کنند. موبایل را گرفتیم تا من هم به عکس‌ها نگاه کنم، دیدم ای بابا همین‌ی که جای من خوابیده بود و بلند نشد تمام عکس‌هایش داخل موبایل است. به بچه‌ها گفتم: «این دیگه کج که عکسشم اینجااست؟» از حرف‌هایشان فهمیدم اسمش مجید قربان‌خانی است و روی عکس‌هایش حساس است. تصمیم گرفتیم کار آن عکس‌ها را جبران کنیم. موبایل را دستم گرفتیم رو به شاکری گفتم: «می‌خوام همه عکسات رو پاک کنم تا دم خنک بشه.»

با حالت التماس وار گفتم: «تکنی‌ها این عکس‌ها رو گرفتیم تا بچه‌های یافت‌آباد برای مراسم تشییع

کلام شهید

■ **وصیتنامه شهید مجید قربان‌خانی**
بسم رب الشهداء و الصدیقین
سلام عرض می‌کنم خدمت تمام مردم ایران. سلام می‌کنم به رهبر کبیر انقلاب و سلام عرض می‌کنم به خانواده عزیزم. امیدوارم بعد از شهادتم ناراحتی نداشته باشید و از شما خواهش می‌کنم بعد از مرگم خوشحال باشید و گریه بر مصیبت اباعبدالله کنید. سر پیکر بی‌جان بر سینه می‌زنم که مبادا درون آن/ غیر رقیه خانه کند عشق دیگری اسلام و شیعیان به شهادت رسیدم.

من از شون استفاده کنند، جان من این کارو نکن.» نشد که تلافی کنیم، روز بعد به بهانه غذا آوردن با خودم راهی‌اش کردم. چند کیلومتر که رفتیم بین الحاضر و خان طومان گفتم: «برو سه سز زیر ماشین عقب‌بین چی گیر کرده صدا می‌ده؟» تا پیاده شد گازش را گرفتیم و داد زدم و گفتم: «یکم پیاده با تا من حال کنم.» کل کل ما شروع شده بود.

■ **خالکوبی که پاک و خاک شد**

شب وسط هیبت پانصد زد زیرون. همین باعث شد من مدام به او بگویم تو ادب مجلس امام حسین(ع) را نگه نداشته‌ستی ظطور می‌خوای شهیدش بشی. بعدها فهمیدم وسط هیبت آمده و رفته یک گوشه. بدخ شروع کرده به التماس کردن برای شهادت.

اسب عملیاتی که مجید شهید شد حسین اسب‌یاداری گفت خواب دیدم (همان کلیپ معروفی که این روزها در فضای مجازی پر شده است) خانم آمد و از صفا ۱۳ نفر را نشان داد هر کدامان یک قدم آمدیم جلو و انتخابمان کرد. من با نگرانی به حسین گفتم «منم بودم؟» گفت «نه تو نبودی» تکلیفت هنوز با خودت روشن نبود». غم گرفتیم اما چیزی نگفتم. یکبار یکی از بچه‌ها موقع وضو گرفتن خالکوبی مجید را دیده و بهش گفته بود «مجید جان تـو این همه خوبی، حیف نیست خالکوبی داری؟» مجید هم جواب داده بود «این خالکوبی با فردا پاک می‌شه، یا خاک می‌شه.»

مجدید قربان‌خانی روز عملیات یک دستبند سبز دستش بود. در آورد و داد به من و گفتم «بیا بگیر داداش به دردت می‌خوره.» با خودم گفتم «اینم توهم زده می‌ره شهید می‌شه، حلا فکلا کرده دستبند تیرکش چی هست.»

روز عملیات وقتی تیر خورد متعجب بودم از کار خدا. مجید داشت می‌رفت به آرزویش برسد و من ول معطل مانده بودم وسط ممر که. درست بود که منم زخمی شده بودم اما زخمی شدن من کجا و شهادت او کجا! مجید حتی لحظه شهادتش با اینکه چند تیر خورده بود باز دست از مسخره بازی بر نمی‌داشت. هر کسی تیر می‌خورد بعد از این مدت بی‌هوش می‌شود. مجید سه ساعت تمام بیدار بود و یک‌بند شوخی می‌کرد و حرف می‌زد تا اینکه شهید شد.



ارتباط با ما: ۸۸۴۹۸۴۸۱

گزارش

بادهای سرد زمستانی بوی بهار شهادت می‌داد

■ **علیرضا محمدی**

«اسفند» ماه پر شهید دفاع مقدس است. علاوه بر اینکه دو عملیات بزرگ خیبر و بدر به ترتیب در زمستان سال ۶۲ و ۶۳ در همین ماه انجام گرفتند، تعداد دو عملیات بزرگ دیگر یعنی والفجر ۸ و کربلای ۵ نیز به اسفند سال‌های ۶۴ و ۶۵ می‌رسید. بنابراین اسفند را باید یکی از پر شهیدترین ماه‌های دفاع مقدس بدانیم.

از طرف دیگر بزرگی عملیاتی چون کربلای ۵ والفجر ۸ و تعداد شهدایی که در آن تقدیم شد به هیچ عنوان قابل قیاس با هیچ کدام از عملیات‌های بزرگ رخ داده در طول هشت سال دفاع مقدس نیست. با توجه به طول انجامیدن، به جرئت می‌توان گفت هیچ روزی از زمستان را نخواهیم یافت که در آن شهیدی به آمار شهدای دفاع مقدس افزوده نشده باشد.

البته ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که چون شیوه تک‌شبهانه‌ا تاکتیک‌های نظامی عمده جبهه ایران به ششمار می‌رفت، فصل زمستان به این دلیل مورد توجه فرماندهان بود چون شب‌های طولانی داشت و می‌شد از تاریکی طولانی‌مدت این شب‌ها به جهت نفوذ به خطوط اولیه دشمن بهره گرفت. از طرف دیگر از آنجا که اغلب عملیات دفاع مقدس در سرزمین گرم خوزستان انجام

به گزارش «جوان»، اگر شما هم سر و کارتان با مقوله دفاع مقدس باشد و مثلاً به عنوان خیرنگار این حوزه مشغول کار باشید، به حتم تفاوت عمده‌ای را بین ماه‌های مختلف در تقاویم دفاع مقدسی شاهد خواهید بود. برخی از فصول سال پر از رویدادهای بزرگ دفاع مقدسی هستند و در مقابل برخی دیگر از ماه‌ها اتفاقات کمتری را شاهد بوده‌اند. برخی پر از شهید هستند و برخی دیگر… زمستان یکی از فصل‌های مهم در دیپاچه دفاع مقدس است. اگر بخواهیم عملیات دفاع مقدس را به دسته‌بندی‌های بزرگ و متوسط و کوچک تقسیم کنیم، عملیات بزرگ جنگ تحمیلی انگشت‌شمارند. از میان چنین عملیات بزرگی، سهم ماه‌های زمستان قابل توجه است. دی ماه شاهد دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و ۵ بود. بهمن شاهد دو عملیات بزرگ دیگر یعنی والفجر مقدماتی و والفجر ۸ و اسفند ماه هم که خیبر و بدر و والفجر ۱۰ را در خود دارد.

سهم فصول دیگر به این ترتیب است: پاییز: در مهر ماه ۱۳۶۰ ثامن‌الائمه و در



می‌گرفت، شرایط آب و هوایی زمستان نیز برای عملیاتی بزرگ مطلوب‌تر به نظر می‌رسید.

این دو خصوصیت فصل زمستان باعث شده بود تا بعد از گذشت حداقل سه سال از آغاز جنگ تحمیلی و کسب تجربیات ارزشمند، فرماندهان جز در هنگام نیاز در فصول گرم سال دست به انجام عملیات بزرگ نزنند. به عنوان نمونه عملیات بیت‌المقدس ۷ که

برخی آن را زمره عملیات‌های بزرگ جای می‌دهند، به‌ آن جهت در گرمای شدید در ماه‌های رمضان و مرصاد است که اولی به جهت اشغال شهر بصره انجام گرفت و دومی در مرداد سال ۶۷ برای مقابله با نفوذ سریع منافقین عمدتاً در استان کرمانشاه و حد فاصل سرپل ذهاب تا تنگه چهار زبر انجام پذیرفت.

البته در لیست عملیات بزرگ نام‌های دیگری چون کربلای یک (تیر ۶۵)، بیت‌المقدس ۷ (خرداد ۶۷)، کربلای ۱۰ (اردیبهشت ۶۶) و… را می‌بینیم. اما عملیاتی که به جهت تأثیر گذاری کلی در روند دفاع مقدس انجام گرفته باشند، همان ۱۳ مورد ذکر شده هستند که به عینه می‌پسچید نوید بهار شهدا را پیش از بهار طبیعت می‌داد.

				۹	۵
		۳			۵
	۸	۹	۶		۷
		۴	۳	۲	۹
		۸		۲	
		۷	۴		
۷		۸			
		۱		۶	
					۱
۲					

جدول سودوکو

لرقام تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه‌درسه فقط یک‌بار

به‌کار روند.

جدول کلمات متقاطع

▲ پاسخ جدول شماره ۵۰۴۲

ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ف	ق	ک	گ	ن	ی

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱										
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵